



اگر معیارهای
بنیادی مانند
نسبت قیمت به
سود، قیمت به
سود تقسیمی،
رشد سودآوری در
مقایسه با تورم
و رشد نرخ ارز را
مد نظر قرار دهیم،
در بسیاری از
مقاطع مشاهده
می شود که رشد
ارزش بازار سهام
پتروشیمی یا
شاخص شیمیایی
همسو با این
متغیرها بوده است



■ تجربه دوره های آرامش بازار چه می گوید؟

بررسی دوره های مختلف نشان می دهد مقاطع کم تلاطم و آرام بازار، معمولاً با ثبات در قوانین و مقررات اثرگذار بر شرکت ها همزمان بوده است. افزایش پیش بینی پذیری اقتصاد، نقش مهمی در آرامش بازار دارد و این موضوع زمانی محقق می شود که قوانین برای دوره های مشخص و بلندمدت تدوین شوند. افزایش ابهام در قوانین و فرمول هایی که امکان تفسیر شخصی دارند، همواره محل اعتراض و بدبینی فعالان بازار بوده است. این مسأله به طور مشخص در صنایع پالایشی، پتروشیمی و فلزی دیده می شود. در مقابل، شفاف سازی بلندمدت قوانین و نحوه محاسبه متغیرهایی که بر سود و زیان شرکت ها اثر می گذارند، می تواند اعتماد سرمایه گذاران به بازارهای مالی را افزایش دهد.

■ پتروشیمی؛ عامل نوسان یا ستون ارزآوری؟

صنعت پتروشیمی در کنار صنعت فولاد، بیشترین ارزآوری بخش خصوصی کشور را به خود اختصاص داده و به همین دلیل همواره در کانون توجه سیاست گذاران و فعالان بازارهای مالی قرار دارد. طبیعی است که قوانین و مقررات مربوط به این صنایع محل بحث باشد، اما این به معنای ایجاد بی ثباتی بازار نیست. نمی توان قوانین را به گونه ای وضع کرد که یک صنعت، جدا از شرایط کلی اقتصاد کشور، از منافع یک جانبه برخوردار شود. با این حال، بررسی عملکرد بلندمدت صنعت پتروشیمی نشان می دهد این صنعت، نه به صورت مقطعی و نه در مجموع زیربخش ها، دچار افت معنادار سودآوری نسبت به سایر صنایع نشده است. با توجه به نقش نرخ ارز در سودآوری شرکت های پتروشیمی، در اغلب دوره ها ارزش بازار و سودآوری این صنعت روندی رو به رشد داشته است. از این رو، اتخاذ نگاه بلندمدت در سرمایه گذاری در صنعت پتروشیمی می تواند اثر رویدادهای منفی مقطعی را کاهش دهد و در نهایت منافع بنیادی این صنعت بر چالش ها غلبه کند. ▮

پتروشیمی بر وضعیت بازار را به سهم بالای آن از ارزش بازار نسبت دهیم، می توان گفت این صنعت اثرگذاری بالایی دارد. اما «مقصر بودن» بار منفی دارد و زمانی به کار می رود که بخواهیم شرایط دشوار بازار را با نوعی ساده سازی یا حتی تئوری توطئه توجیه کنیم. تعیین متغیرهای کلان اقتصادی، فراتر از توان و وظیفه نهادهای مرتبط با بازار سرمایه مانند صندوق توسعه یا صندوق تثبیت است. اگر قوانین و مقرراتی با در نظر گرفتن شرایط کلی اقتصاد کشور تصویب شود و این قوانین بر سودآوری برخی صنایع اثر منفی بگذارد، نمی توان ادعا کرد که هدف از تصویب آنها صرفاً آسیب زدن به بازار سرمایه یا صنعت پتروشیمی بوده است.

